

شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

مرتضی علویان* / محمد زارع پور**

(۶۰-۳۷)

چکیده

حکمرانی خوب ازجمله نظریاتی است که به‌سرعت کانون توجه کشورهای پیشرفته و درحال توسعه جهان قرار گرفته است (تاریخچه)، موضوعی که انطباق آن با اندیشه سیاسی اندیشمندان شیعی بررسی نشده است (پیشینه)؛ بنابراین، شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی نیز، مبهم باقی مانده است (مسئله). ازاین‌رو، با این پرسش که شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی جوادی آملی چیست؟ (سؤال) مواجهیم. به اعتقاد نویسندگان، اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی از ظرفیت دینی-شیعی پرداختن به نظریات روز سیاسی، برخوردار است (فرضیه). این پژوهش به شیوه توصیف-تحلیل (روش) درصدد دستیابی به شاخص‌های حکمرانی خوب دینی (بومی) از نگاه آیت‌الله جوادی آملی است (هدف). امکان بومی‌سازی شاخص‌های حکمرانی خوب براساس آموزه‌های دینی بر پایه آرای سیاسی آیت‌الله جوادی آملی و ترمیم

*. استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) - malavian@umz.ac.ir

** . دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام دانشگاه مازندران - maysamevelayat@yahoo.com

مدل غربی آن، از نتایج مقاله پیش‌روست؛ به بیان دیگر، با اعتقاد به اینکه نظریات ایشان از موضعی درون‌دینی و ذیل گفتمان ولایت فقیه مطرح می‌شود، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های حکمرانی خوب به زبانی متفاوت و در قالب واژگان اسلامی همچون مشورت، امر به معروف، نهی از منکر و... در اندیشه سیاسی ایشان نمود بارزی دارد (یافته).

واژگان کلیدی

حکمرانی خوب، جوادی آملی، اندیشه سیاسی، پارادایم و اسلام

مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی دوم، رویکرد دولت بزرگ با هدف سیاست‌گذاری توسعه در اکثر کشورها تا دهه‌های پایانی ۱۹۷۰ یک‌تازی می‌کرد. این جریان هم‌زمان با بازسازی ویرانی‌های جنگ و طرح «مارشال»^۱ در اروپا بود؛ از این رو، اکثر اقتصاددانان و سیاست‌گذاران به دولت بزرگی اعتقاد داشتند که امور اقتصادی را همچون امور سیاسی در دست بگیرد و به منزله نهادی قدرتمند، شکست‌های بازار را جبران کند. کشورهای درحال توسعه نیز با همان استدلال‌ها، رویکرد دولت بزرگ را براساس راهنمایی مشاوران و اقتصاددانان «کینزی»^۲ در غرب، به اجرا گذاشتند. ناکارایی و انعطاف‌ناپذیری بنگاه‌های دولتی که در معرض انواع فشارهای سیاسی و غیرسیاسی بودند، سبب شد که جریان طرفدار اقتصاد بازار و رویکرد دولت کوچک که جریان غالب در ابتدای دهه ۱۹۸۰ بود، خواهان کاهش سهم بخش دولتی در اقتصاد شوند. دیدگاه این جریان «سیاست‌های اجماع

۱. طرح «مارشال» (Marshall Plan) یکی از مهم‌ترین طرح‌های اقتصادی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم است. به دنبال ارائه دکترین ترومن معروف به طرح «دربرگیری» در سال ۱۹۴۷ مبنی بر ارسال کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به کشورهای مورد تهدید، جورج مارشال، وزیر امور خارجه آمریکا طرحی برای نفوذ در کشورهای اروپایی ارائه داد. این طرح، کمک‌های مالی و اقتصادی بلاعوض آمریکا را به حکومت‌های نیازمند تصریح می‌کرد، لیکن عملاً گامی برای استثمار کشورها و انقیاد دولت‌ها از طریق ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و سپس سیاسی بود.

۲. مکتب «کینزی» نظریه‌ای برپایه اقتصاد کلان است که اقتصاددان انگلیسی، جان مینارد کینز آن را بنا نهاد. وی استدلال می‌کند که تصمیمات بخش خصوصی گاه ممکن است موجب نتایج غیر کارا و ایجاد هرج‌ومرج زیاد در کشور شود، بنابراین، از سیاست‌گذاری فعال دولت در بخش عمومی حمایت می‌کند.

واشنگتنی» یا «تعدیل ساختاری»^۱ نامیده شد. اما، حوادث پایانی دهه ۱۹۹۰، همچون بحران شرق آسیا، تجربه ناموفق کشورهای اروپای شرقی و شوروی، سیاست «حکمرانی خوب» را راه‌گشای توسعه مطرح کرد. حکمرانی خوب، جامعه امروز را نیازمند دولتی کارآمد می‌داند که در آن با بسترسازی مناسب، افراد بتوانند با فرایند انتخاب آزاد، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت فعال داشته باشند.

در نقش جدید، دولت در جامعه باید ثبات و پایداری ایجاد کند، چهارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی وضع و در بازار ثبات و عدالت ایجاد کند، در مصالح عمومی نقش منجی و در ارائه خدمات عمومی، اثربخشی و پاسخ‌گویی داشته باشد.

مبنای نظری پژوهش

از حکمرانی خوب^۲ تعاریف متعددی شده است. مبنای نظری این پژوهش براساس تعریف بانک جهانی است. در این تعریف، حکمرانی خوب روشی است که براساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود و ویژگی‌های آن از منظر بانک جهانی شامل این متغیر و شاخص‌هاست:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. رویکرد «اجماع واشنگتنی» یا تعدیل ساختاری رویکردی است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ در پاسخ به معضل رکود تورمی و کندشدن فرایند انباشت سرمایه در اقتصادهای آمریکا و انگلستان با جهت‌گیری ضدکینزی ظاهر شد. وجه تسمیه این نام از آن‌روست که سه نهاد مستقر در واشنگتن، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و خزانه‌داری آمریکا تدوین‌کننده بسته «سیاست‌های تعدیل اقتصادی و تثبیت ساختاری» بودند؛ بسته‌های که بر مبنای دیدگاهی نئولیبرالی به اقتصاد تنظیم شده بود و کوچک‌سازی حداکثری دولت و آزادسازی حداکثری تجاری و مالی از طریق اجزای مختلف آن را دنبال می‌کند.

جدول شماره ۱: متغیرهای حکمرانی خوب و شاخص‌های آن از منظر بانک جهانی

شاخص‌ها	متغیرها	ردیف
حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی	فرایند انتخاب، عزل و نظارت بر حکومت	۱
ثبات سیاسی و عدم خشونت		
اثربخشی	ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌ها	۲
کیفیت مقررات		
حاکمیت قانون	اقدام مردم و حکومت بر نهادهای حاکم بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی	۳
مبارزه با فساد		

(kaufmann, Kraay & Mastruzzi, 2010: 3)

از آنجاکه بررسی همه شاخص‌های حکمرانی و مؤلفه‌های آن در اندیشه جواد آملی، خود موضوع چندین مقاله است و مجال گسترده‌ای فراتر از یک مقاله علمی-پژوهشی می‌طلبد، چند شاخص از آن را برگزیده، آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

۱. حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی^۱

بر اساس این شاخص، هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمام‌داران و هیئت حاکمه داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل‌ها و انجمن‌ها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، حکمرانی خوب وضع بهتری دارد. نهادهای دولتی، بخش خصوصی و سازمان‌های غیرانتفاعی و غیردولتی نیز باید به ذی‌نفعان خود، پاسخ‌گو باشند. جمشیدی معتقد است، این شاخص ضرورت تعامل بین دولت و مردم برای رسیدن به حکمرانی خوب را نشان می‌دهد: «مردم

1. Voice and Accountability.

حق مشارکت و اظهارنظر در تمامی موضوعات به‌ویژه خودمختاری و مقامات منتخب و همچنین، حق انتقاد از عملکرد مقامات دارند و درمقابل مسئولان باید پاسخ‌گوی کامل اقداماتشان باشند» (Jamshidi&Safari, 2016: 644). تأکید این مقاله بیشتر بر مؤلفه حق اظهارنظر است.

۲. کارایی و اثربخشی دولت^۱

در این شاخص، هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و گرایش‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی درقبال آن‌ها بیشتر باشد، وضعیت بهتر است. مفهوم کارایی دربرگیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی برای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارایی نیست.

۳. حاکمیت قانون^۲

حکمرانی خوب نیازمند چهارچوب‌های قانونی بی طرفانه‌ای است که غیرمغرضانه اجرا شوند؛ به‌خصوص آن‌که باید حقوق بشر و در رأس آن حقوق اقلیت‌ها حفظ گردد و این امر تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم امکان‌پذیر است. اگر جرم و تخلف به‌سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پی‌گیری نباشد، نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است.

۴. مهار فساد^۳

آنچه در این شاخص مد نظر قرار می‌گیرد، آن است که از قدرت عمومی و دولتی تا چه حد سوء استفاده می‌شود و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان. هرچه نظام سیاسی و دولت در

1. Efficiency and Effectiveness.

2. Rule of Law.

3. Control of Corruption.

تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است.

حکمرانی خوب از منظر آیت‌الله جوادی آملی

اینک چهار شاخص حق اظهارنظر، کارایی و اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و مهار فساد، که هرکدام شامل چند مؤلفه برای ارزیابی است، در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی بررسی خواهد شد.

حق اظهارنظر

مشارکت، رأی مردم، حضور مردم و پشتوانه مردمی، مشورت، نظارت مردم و امر به معروف و نهی از منکر کلیدواژگانی‌اند که در ارتباط با این شاخص در اندیشه جوادی بررسی می‌شوند.

۱. در منظومه فکری آیت‌الله جوادی، مشارکت یکی از ارزش‌های کم‌نظیر مورد اتفاق جمیع طوایف بشری و یکی از عوامل بسیار مهم پویایی و تحرک جامعه است و در نظام دینی ارزشی مضاعف دارد که برخاسته از تعالیم دینی است.

امروزه، کمتر کسی است که جامعه را به صورت بسته و ایستا ببیند و ترجیح دهد که مردم جامعه، افرادی تسلیم و دست‌بسته اوامر هیئت حاکم به شمار آیند؛ از این رو، قریب به اتفاق سیاست‌مداران و سران حکومت‌ها از این پسند عام بهره‌برده و در ادعای خود، مشارکت عمومی و احساس مسئولیت افراد جامعه را موجب نشاط و پویاشدن اجتماع دانسته‌اند (جوادی آمی، ۱۳۸۷ الف: ۱۱۲).

آیت‌الله جوادی با انتقاد از نظر کسانی که معتقدند در نظام ولایت فقیه جایگاهی مشخص برای رأی و نظر مردم وجود ندارد، می‌نویسد:

براساس شریعت اسلام که بخشی به نام منطقه الفراغ دارد، مردم به‌آسانی می‌توانند در حکومتی که براساس این دین اداره می‌شود، نقش ایفا کنند. منطقه مذکور، شامل همه امور است که دلایل نقلی دین، ممنوعیت یا التزام

خاصی را در آن ارائه نکرده است که مردم می‌توانند براساس آن با تکیه بر برهان عقلی یا تجارب و ثوق آور در تعیین بسیاری از مسائل دولتی و حکومتی نقش بیافرینند (جوادی آملی: ۱۱۹).

یکی دیگر از کلید واژگان اسلامی، مشارکت نظارت مردم است که بسیار مترقی‌تر از نوع لیبرال آن است؛ چراکه وظیفه نظارت، متقابل است و حتی با تشکیل نهادهای دموکراتیک مثل احزاب و اصناف و مجلس و... از دوش طرفین برداشته نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، هم جامعه مدنی بر دولت نظارت دارد و هم دولت بر جامعه مدنی. ایشان نظارت مردمی را به بالاترین مسئولان در نظام جمهوری اسلامی نیز تسری می‌دهد:

مجلس خبرگان، کمیسیونی تشکیل داده است به نام «کمیسیون تحقیق» که بر عملکرد رهبری نظارت دارد و نتیجه کارش را در جلسه علنی مجلس خبرگان گزارش می‌دهد. خبرگان... مطالب لازم را از رهبر توضیح می‌خواهند؛ اگر والی جامعه اسلامی، جواب قانع‌کننده‌ای ارائه داد، در منصب رهبری باقی می‌ماند و اگر جواب قانع‌کننده‌ای نداشت، انعزال او را اعلام می‌کنند و فقیه جامع‌الشرایط دیگری را به جمهور معرفی می‌نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ و: ۴۹۶).

کلید واژه دیگر مشارکت، امر به معروف و نهی از منکر است. ایشان این فریضه بزرگ را عامل امتیاز امت اسلامی و از اصلی‌ترین احکام الهی و فروع دینی و نه تنها حق مردم، بلکه تکلیف آنان می‌داند و در اجرای این وظیفه هیچ محدودیتی در هیچ سطحی از جامعه و حکومت قائل نیست و همه را در مقابل هم مسئول می‌شمرد.

بالاترین مقام حکومت دینی که ولی فقیه است، از هیچ‌گونه امر به معروف و نهی از منکر مستثنی نیست؛ هر چند او به سبب عدالت و تنزهی که دارد، بیش از دیگران و پیش از آنان به قوانین الهی احترام می‌گذارد، اما این بدان معنا نیست که اگر اشتباه و خطایی از وی سر زد، نباید به او تذکر داد، بلکه باید به او یادآوری کرد و حق تذکر به وی نیز مربوط به قشر خاص نیست و همه اقشار

جامعه حق دارند، بلکه وظیفه دارند ایشان را از نظرات و انتقادات سازنده خود

مطلع کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف: ۲۲۱).

می‌توان گفت که مفهوم مشارکت در اندیشه جوادی ترقی مفهومی داشته، به صورت گسترده‌تری بر مبنای آموزه‌های عقل و دین کانون توجه گرفته است؛ در نتیجه، مشارکت خردپایه دین‌مدار یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب در نظر جوادی است.

۲. یکی دیگر از شاخصه‌های این مؤلفه، مباحث مربوط به آزادی بیان، آزادی احزاب و آزادی رسانه‌های جمعی است.

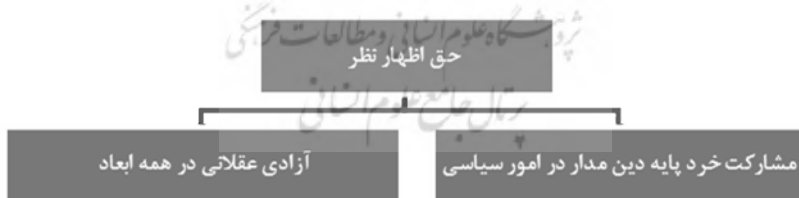
در اندیشه سیاسی ایشان که منبعث از اندیشه‌های ناب شیعی است، انسان موجودی آزاد آفریده شده است که مجبور به پذیرش هیچ حاکمیتی اعم از الهی و غیرالهی نیست. آزادی بهترین نعمت خداوند و بعد از حق حیات معتبرترین حقی است که برای انسان شناخته می‌شود. احدی غیر از خالق انسان حق محدودکردن آزادی او را ندارد. مردم از آزادی عقیده، بیان، مسکن، شغل، فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند. آزادی انتخاب‌شدن و برگزیدن و حق رأی، مشارکت مردم در فرایند امور سیاسی، حق نظارت بر عملکرد حاکمان و جلوگیری از رفتارهای زشت یا تبعیض و اظهارنظر در تصمیمات دولت‌مردان، از جمله مصادیق آزادی سیاسی در اسلام است. در نظر ایشان، بعثت انبیای الهی با هدف نجات انسان‌ها از انواع اسارت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده است و تا چنین اسارتی برقرار باشد، نیل انسان به کمالات و رسیدن او به تعالی ناممکن خواهد بود. وی اصل دین را هم تحمیل نشدنی می‌داند (همان: ۲۳).

«مازن هاشم» از متفکران معاصر عرب، معتقد است یکی از اصول اساسی حکمرانی خوب از دیدگاه اسلامی «ردّ اجبار در امور مذهبی» است (Hashem, 2007: 63). ایشان با انتقاد از آزادی کاذب رایج در کشورهای دموکراتیک که رهایی از حکم خدا و نوعی اسارت است، آزادی واقعی را، آزادی از بند غیرخدا می‌داند که در نظام اسلامی با آزادی‌های فطری و انسانی تأییدشده دین و قانون خداوند که دینداران بخواهند، مخالفت نخواهد شد. وی

معتقد است که افراد، احزاب و رسانه‌ها نه تنها آزادند، بلکه بالاتر از آن وظیفه نظارت بر حکومت را هم برعهده دارند:

شیوه‌های نظارتی افراد جامعه در اعصار مختلف می‌تواند متفاوت باشد و از ساده‌ترین شکل آن، یعنی تذکرات شفاهی مردم، به اشکال و صورت‌های پیچیده امروزی، مانند تأسیس احزاب، اصناف، انجمن‌ها، مطبوعات و رسانه‌های عمومی، تغییر یابد. همه این راهکارها مهم و ارزشمند است و در صورت بهره‌مندی از شرایط درست، در سرنوشت حکومت نقش بسزایی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف: ۳۱۷).

آیت‌الله جوادی در دیگر آثار خود با برشمردن انواع آزادی، اعم از آزادی تکوینی و تشریعی و...، آزادی را به معنای اطاعت از فرمان‌های عقل معرفی می‌کند. وی معتقد است که آزادی در اسلام به معنای اجرای احکام عقلانی و نه اعمال خواسته‌های نفسانی است و انسان مطیع غرایز حیوانی در اسارت است و آزاد نیست؛ در نتیجه مفهوم آزادی در اندیشه ایشان را می‌توان با ارتقای سطح مفهوم به آزادی عقلانی تعبیر کرد. می‌توان شاخص حق اظهار نظر و مؤلفه‌های آن را از نظر آیت‌الله جوادی به صورت نمودار زیر نشان داد:



کارایی و اثربخشی دولت

سیاست‌گذاری به نفع کار و کسب نخستین مؤلفه کارایی و اثربخشی دولت که به بررسی آن می‌پردازیم:

سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار: حکمرانی خوب نظریه‌ای است که بر مفروضات کاپیتالیسم استوار است و اصل و اساس و محور سعادت فردی و اجتماعی را برخورداری

هرچه بیشتر از سرمایه و ثروت می‌داند؛ از این‌رو، انباشت ثروت فردی و اجتماعی در آن به رسمیت شناخته می‌شود؛ در حالی که به نظر آیت‌الله جوادی یکی از ویژگی‌های اقتصاد اسلام، تأکید بر توزیع فراگیر و عادلانه سرمایه‌هاست. پدیده انباشت ثروت موجب اسراف نعمت و سرمایه‌های ملی کشور و سبب بروز مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و سرگرمی‌های جاهلانه و رکود بازار کسب و کار است؛ از این‌رو، دولت اسلامی باید همه تلاش خود را به کار گیرد تا ثروت همانند خون جاری در پیکر انسان، به بخش‌های مختلف کشور راه یابد. دولت اسلامی موظف است، سیاست‌ها و روش‌هایی اتخاذ کند که هر فرد از هر قشری بتواند به اندازه استعداد و لیاقتش به نفع خود و جامعه در به کارگیری ثروت‌ها بکوشد؛ نه آنکه قشری متمایز، زمام امور مالی و اقتصادی کشور را به دست گیرند و دیگران محرومیت و فقر نصیبشان شود (همان).

در این دیدگاه با آموزه‌های اشتراکی به دلیل سرکوب حس منفعت‌جویی انسان مخالفت می‌شود و صاحبان کار، موظفند اجرت و منافع کارگران را در اسرع وقت بپردازند و هیچ حقی را نادیده نینگارند و با تأکید بر مالکیت خصوصی بدین معنا که هر فردی نسبت به دسترنج خود در قیاس با دیگر مردم، مالک است و هیچ‌کس حق تصرف در آن را بدون اذن و رضای او ندارد، مردم به انجام فعالیت‌های اقتصادی و راه‌اندازی کسب و کار تشویق می‌شوند. یکی از نتایج پذیرفتن گردش اموال در دست همه اعضای جامعه بر حذر داشتن مردم از احتکار ثروت و اکتناز مال است که سبب فقر و از بین رفتن زمینه‌های کسب و کار در جامعه می‌شود. به باور ایشان مجموع مال‌های دنیا به اندازه نیاز مجموع انسان‌هاست و اکتناز و احتکار آن نزد گروه یا شخص خاص، مخالف قانون نظام مالی در اسلام است (همان).

ایشان معتقدند، کارگزاران نظام اسلامی موظف به تشویق مردم و ارائه الگو به آنان برای راه‌اندازی کسب و کار و گردش صحیح پولی و مالی در کشور اسلامی هستند. کارگزاران حضرت سلیمان علیه السلام الگوی صنعت معماری، بناهای بلند و قصرهای منیع، نوح علیه السلام با صنعت

کشتی‌سازی الگویی برای ساخت و پرداخت هرگونه وسایل نقلیه دریایی و زیردریایی و زمینی و هوایی، و صنعت زره‌بافی داوود^ع الگویی برای ساختن هرگونه وسایل دفاعی است. یکی دیگر از مسائل کانون توجه در اندیشه سیاسی جوادی، مسئله کار و تولید در اسلام و نقش بارز آن در تأمین استقلال اقتصادی جامعه اسلامی است. در این دیدگاه انسان‌ها در هیچ زمانی از کار و تلاش باز نمی‌ایستند و همواره بایستی در عرصه‌های مختلف به صورتی جدی و مستمر بکوشند تا در پرتو چنین تلاش‌ها و زحماتی، جامعه دینی، هم از جهت فردی به صلاح دست یابد و هم از نظر اجتماعی به اهداف عالی خود نایل شود.

بیان نورانی حضرت رسول اکرم^ص به خوبی روشن‌کننده میزان سعی مسلمان در زندگی خود است... اگر خوشه یا نشایی در دست توست و قیامت هم در آستانه برپایی است و چیزی نمانده که بمیری، این نهال را بکار و بمیر. طبق این بیان، انسان تانفس دارد، باید کار کند و در جامعه اسلامی، هرکسی به تناسب استعداد و قابلیت که دارد، باید تلاش و کوشش کند (همان: ۲۲۷).

در این دیدگاه یکی از ویژگی‌های جامعه بهشتی فعالیت سالم اقتصادی و طلب روزی حلال معرفی می‌شود که هم‌سنگ عبادت خداوند است و سمت و سوی کوثری دارد نه تکاثری؛ زیرا برای رفع نیازهای امت اسلامی و رفاه و عفاف خانواده و بستگان است؛ نه حرص و افزون‌طلبی. در نظر ایشان از جمله روش‌هایی که اسلام برای سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار مقرر کرده، عبارت است از: تأکید بر عادلانه بودن فروش کالاها؛ نظارت بر قیمت‌ها؛ جلوگیری از احتکار؛ حرام کردن ربا؛ توصیه به شرکت در اموال و تجارت، به علاوه شیوه‌های دیگری نیز که از عقل و به طبع آن از علم و اندیشه بشری اخذ می‌شود.

آیت‌الله جوادی در شرح دیدگاه اقتصادی اسلام، نگاهی غایت‌مدار دارد و پیشرفت‌های مادی را نیز اگر در جهت بسط و گسترش ارزش‌های اسلامی باشد، مطلوب می‌شمرد، در نتیجه بهتر است که به جای عنوان سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار از عنوان «سیاست‌گذاری برای تحقق اقتصاد کوثری» در این مدل حکمرانی استفاده شود.

۲. استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی: تصویر ارائه‌شده از جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی، جامعه بی‌طبقه‌ای است که امتیازهای حقیقی و طبیعی انسان در آن ملاک حقوق افراد است، نه امتیازات موهوم غیرانسانی. همچنین، مدینه فاضله‌ای است که امکانات مساوی برای عموم افراد در آن لحاظ شده است و همه فارغ از هرگونه جهت‌گیری سیاسی، در برابر بیت‌المال مساوی‌اند. حتی برخورد نامناسب اقتصادی و حقوقی با اقلیت‌های دینی نفی شده است و بر رعایت عزت و احترام و عدم تزییع حقوق آنان به بهانه مغایرت دینی تأکید می‌شود (همان).

در اندیشه سیاسی ایشان با اشاره به منش سیاسی حضرت علی^{علیه السلام} در جنگ صفین، حتی بر خورداری دشمنان از امکاناتی همچون دسترسی راحت به آب آشامیدنی در زمان جنگ نیز به رسمیت شناخته می‌شود و این نکته اوج شاخص استقلال خدمات عمومی از فشارهای سیاسی در مکتب اسلام است که در هیچ مکتب سیاسی دیگری ملاحظه نمی‌شود. در ماجرای دیگری خریت بن راشد ناجی که یکی از یاران امیرمؤمنان^{علیه السلام} در جنگ صفین بود، از فرمان آن حضرت سرپیچی و همراه سی نفر از یارانش حضرت را ترک کرد و به تبلیغات منفی بر ضد ایشان پرداخت. امیرمؤمنان^{علیه السلام} در پاسخ یاران خود که خواستار دستگیری ایشان بودند، چنین فرمودند: «اگر ما با هرکسی که مورد اتهام است چنین کنیم، زندان‌ها از آنان پر می‌شود و رأی من این نیست که به مردم حمله و آنان را زندانی کنم و عقوبت دهم تا از عقیده باطلشان بازگردند و به من تمایل یابند» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۵۸)؛

۳. کیفیت کارکنان دولت: کارگزاران حکومت اسلامی باید گزینش شوند و استخدام بی‌ضابطه آن‌ها خیانت و ظلم است. در این نگرش مدیریت، تنها علم نیست، بلکه فن و استعدادی خاص است که همگان آن را ندارند و به همین دلیل پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} و امیرمؤمنان^{علیه السلام} به ابوذر کارهای مدیریتی نمی‌دادند؛ چون او توانایی آن را نداشت. در این مکتب، مقدم داشتن فرومایگان و مؤخر قراردادن فرزنانگان، یکی از علل سقوط سیاسی - اجتماعی جوامع و ملت‌هاست. همه کارگزاران در اسلام خادمان مردم هستند و هیچ‌کس به خود اجازه نمی‌دهد که رفتار مالکانه و عمل متکبرانه با دیگران داشته باشد. همه باید واجد

دو ویژگی تخصص و تعهد باشند و خداوند از کسی که بدون داشتن تخصص و تعهد، تصدّی شغلی را پیشنهاد و آمادگی خود را اعلام می‌دارد، بیزار است.

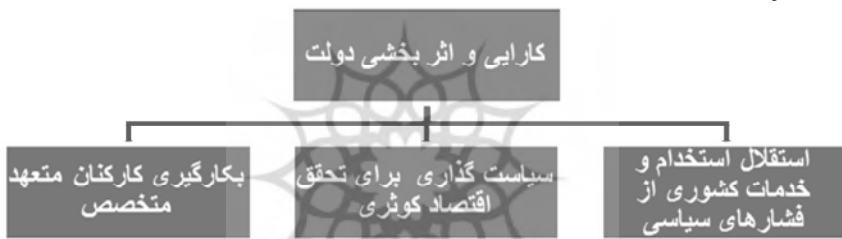
تعهد در کار، موجب می‌شود که شخص در انتخاب شغل، نیاز جامعه و سود اقتصادی عموم را در نظر بگیرد و از شغل‌های کاذبی که درآمدهای کلان شخصی دارد، ولی خساراتی را به اقتصاد جامعه وارد می‌کند، پرهیزد. سمت را امانت جامعه دانستن و پرهیز کردن از خیانت در امانت و مال حرام و رشوه، از جمله ویژگی‌های کارکنان دولت اسلامی است. رابطهٔ بین کارگزار و ارباب رجوع در نظام اسلامی، تنها حول محور مقررات اداری نیست و انگیزهٔ آن، حفظ پیوند با خداوند است. ایشان یکی از ویژگی‌های کارگزاران حکومت اسلامی را چپلوسی نکردن می‌داند که این دسته فقط به دنبال راحتی و آسایش خودند و انگیزه‌ای برای خدمت به مردم ندارند و حقایق را وارونه جلوه می‌دهند. یکی دیگر از ویژگی‌ها مسئولیت‌پذیری است که در مسئولان باید به مقدار بیشتر و افزون‌تری نسبت به دیگر مردم وجود داشته باشد.

در اندیشهٔ سیاسی آیت‌الله جوادی نشانه‌هایی از سیاستِ دوستی و محبت به چشم می‌خورد که نمونه‌های آن در اندیشه‌های ارسطو یافت می‌شود. به اعتقاد ایشان یکی از اوصاف حاکمان و کارگزاران، مهربانی با مردم است. بهترین جوامع، آن جامعه‌ای است که با محبت اداره شود و بهترین محاکم، آن محکمه‌ای است که با مهرورزی و الفت قاضی همراه باشد و بهترین قاضی کسی است که قلبش پُر از محبت و ملول از انزجار و قساوت باشد؛ چراکه محبت مایهٔ تحکیم امور و نفوذ در قلب مردم است (همان).

در این دیدگاه، خدمات اجتماعی در مرتبهٔ بالاتری از مستحبات فردی هستند؛ به عبارتی، رسیدگی به امور مردم مقدم بر اعمال مستحب است، به گونه‌ای که حضرت علی علیه السلام وقتی مردم به او مراجعه می‌کردند، نماز مستحب را رها می‌کرد و با عطفیت به کار آنان می‌رسید. یکی از مشکلات ایشان در دورهٔ حکومت، نداشتن کارگزارانی امین و توانمند بود. اگر کارگزاران فراوانی مانند مالک اشتر بودند، زیادین آیه سَمَت نمی‌گرفت. اگر افرادی شایسته و مدیر و مدبّر در حکومت علوی بودند، حضرت این چنین شکایت نداشت:

کجا هستند برادران من؟ همان‌ها که... در راه حق قدم برمی‌داشتند. کجاست «عمار»؟ کجاست «ابن تیهان» و کجاست «ذوالشهادتین» و کجایند مانند آنان از برادرانشان که بر جانبازی پیمان بستند و سرهای آنان برای ستمگران فرستاده شد؟ آه بر برادرانم. همان‌ها که قرآن را تلاوت می‌کردند و به کار می‌بستند، ... دعوت به جهاد را می‌پذیرفتند و به رهبر خود اطمینان داشتند و صمیمانه از او پیروی می‌کردند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ و: ۱۵۸).

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان به جای شاخص «کیفیت کارکنان دولت» از شاخص «به‌کارگیری کارکنان متخصص متعهد» یا «شایسته‌سالاری در توسید مسئولیت» استفاده کرد.



حاکمیت قانون

حکومت اسلامی، حکومتِ قانون اسلام است و هیچ‌کس و هیچ‌چیز بر قانون الهی تقدم ندارد. حاکم اسلامی نیز که انسانی آراسته به بسیاری از ویژگی‌های علمی و عملی از جمله فقاقت و عدالت است، در ذیل قانون اسلام قرار خواهد گرفت. محال‌بودن نافرمانی امیر مؤمنان علیه السلام از قوانین الهی حتی با گرفتن پوست جویی از دهان مورچه‌ای و حتی به قیمت اقلیم‌های هفت‌گانه، اوج قانون‌گرایی در مکتب اسلام است. در نظر ایشان فقیه جامع شرایط رهبری با مردم تعهد کرده است که ولایتش را در محدودهٔ قانون اساسی اعمال کند؛ چراکه خود رهبر، قانون اساسی را همراه با آحاد ملت پذیرفته و بعد از همه‌پرسی و رأی امت به آن، آرای مردم را امضا و تنفیذ کرده است. در این دیدگاه آزادی‌ها هم در دایرهٔ قانون محترم است، نه در برابر قانون و خارج از آن، لذا هیچ ملتی در برابر «قانون» آزاد نیست.

۱. توانایی اقامه دعوا علیه حکومت: در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی، مردم در صدر اسلام به طبع، وظیفه ذاتی امر به معروف و نهی از منکر چنان تربیت شده بودند که به راحتی به حاکمان و کارگزاران اعتراض، از کارگزاران حکومتی شکایت کرده و حق خود را مطالبه می‌کردند. شکایت مردم از حضرت علی علیه السلام نزد پیامبر در یکی از جنگ‌های صدر اسلام به دلیل مداومت ایشان بر قرائت سوره توحید در نمازها، یکی از آن موارد است. یکی دیگر از نمونه‌ها شکایت سوده همدانی است. وی نزد معاویه می‌گوید:

من به عنوان نماینده از قوم خودم حرکت کردم و رفتم... وقتی وارد منزل امیرالمؤمنین علیه السلام شدم، ... او نماز را رها کرد و با یک نگاه رئوفانه و عطوفانه به من فرمود: آیا کاری داری؟ عرض کردم: آری، کارگزار شما در مسائل مالی قسط و عدل را رعایت نمی‌کند و بر ما ستم روا می‌دارد. وقتی... صدق اصل گزارش روشن شد، علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کرده و دست به آسمان برداشت و عرض کرد... خدایا من کارگزارانم را چنان تربیت نکردم که به آنها ظلم را اجازه داده باشم، یا ترک حق خدا را تجویز کرده باشم، آن‌گاه قطعه پوستی از جیبش در آورد و در آن رقعۀ این چنین مرقوم فرمود: «... همین که نامه من به دست تو رسید، حق کارنداری و فقط باید به عنوان یک امین، موجودی را حفظ کنی تا کارگزار بعدی که ابلاغ در دست اوست بیاید و پست و سمت را از تو تحویل بگیرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ هـ: ۳۰۰).

از این سخن روشن می‌شود در عصری که حق زنان به راحتی پایمال می‌شد و نوزادان دختر تا چند سال پیش از آن در اقدامی افتخارآمیز زنده به گور می‌شدند، اسلام چگونه انسان‌ها را تربیت کرد که یک زن به نمایندگی از طرف قوم خود به شکایت و دادخواهی نزد خلیفه وقت می‌رفت و از کارگزار ظالم او شکایت می‌کرد و سبب عزل او را فراهم می‌ساخت و خلیفه اسلامی چگونه به دادخواست او اهمیت می‌داد و با مهربانی و عطوفت به کار او رسیدگی می‌کرد و پس از کشف صحت ماجرا، کارگزار خائن خود را بی‌درنگ عزل کرده، فقط حاکمیت قانون الهی را مد نظر قرار می‌دهد؛

۲. کارایی نیروهای امنیتی برای ایجاد امنیت: یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی حفظ امنیت عمومی و مبارزه با هرج و مرج است که نیروهای امنیتی تأمین کننده آن‌اند. در این دیدگاه، امنیت در همهٔ وجوه جانی و مالی، حیثیتی و آبرویی و حریم خصوصی افراد بایستی از سوی حکومت اسلامی تأمین شود و همهٔ مردم نیز در تأمین آن نقش دارند.

در این مکتب یکی از ویژگی‌های نیروهای امنیتی آراسته‌بودن به صفات و فضایل اخلاقی است؛ به عبارت دیگر، تا پلیس، پلیس امنیت اخلاقی خود نباشد، نخواهد توانست امنیت مردم را در همه جهات تأمین کند. «پلیس فاقد اخلاق، هرگز ضامن اجرای حقوق نخواهد بود، زیرا کسی توان حفظ گوهر دین خود را از دستبرد هوس و تاراج هوا و سرقت شهوت و غضب ندارد، و قلب خود را از تهاجم اهریمنان درون نگهداری نمی‌کند، هرگز توان حفظ حقوق دیگران را ندارد» (جوادی آملی: ۳۵۹).

بخشی از نکاتی که آیت‌الله جوادی در تفسیر آیات مربوط به فرماندهی طالبوت در میان بنی اسرائیل ذکر می‌کند، صفات نیروهای نظامی و امنیتی را شرح می‌دهد. در نظر او نیروهای امنیتی علاوه بر فضایل روحی و معنوی باید هم مسلط به علوم روز امنیتی و هم دارای توان جسمی برای اجرای مأموریت‌های محوله باشند.

فرمانده لشکر باید دارای سه ویژگی باشد: تعهد و شایستگی لازم: نخست، «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ»؛ دوم، تخصص و آگاهی کافی به مسائل نظامی و جنگ: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ»؛ سوم، توانایی و قدرت بدنی مناسب: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ». چون اگر تنها مسئلهٔ ادارهٔ جنگ و نقشه‌کشی در قرارگاه بود، تعهد و تخصص علمی کافی بود؛ ولی چنانچه بخواهد در میدان نبرد و خط مقدم برزمد، افزون بر اصطفاء و تخصص علمی باید توان جسمی نیز داشته باشد تا بتواند لشکر را در تمام صحنه‌ها هدایت کند و اگر با همه این اوصاف کمبودی داشته باشد، خداوند آن را تأمین می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب: ۶۴۰).

حتی شهروندی که اصول اعتقادی اسلام را نپذیرفته، ولی در پناه حکومت اسلامی است، از حقوق خاص خود برخوردار بوده و احساس امنیت می‌کند. ایشان معتقدند که در

حکومت اسلامی حتی کافر هم از امنیت اسلامی بهره‌مند است و حکومت وظیفه دارد که تا آن‌گاه امنیت را برهم نزده، امنیت او را فراهم نماید.

تأمین امنیت برای شهروندان حکومت اسلامی بدون توجه به گرایش دینی آن‌ها یا حتی تأمین امنیت دشمنان در محدوده حاکمیت نظام اسلامی در شرایط خاص، علاوه بر اینکه جلوه‌ای از امنیت متعالی در این نظام است، شاهد عزم اسلام بر فراهم آوردن فضای رشد فکری مردم و آزادی در پذیرش دین حق و نداشتن هیچ‌گونه اجبار در این حیطة است؛ به عبارت دیگر، امنیت یکی از شروط لازم تحقق اهداف متعالی اسلام در جامعه است؛ در نتیجه می‌توان گفت که این شاخص در اندیشه جوادی به «کارایی نیروهای امنیتی فاضل در تحقق امنیت متعالی» تغییر می‌یابد.

۳. اعتماد به نظام قضایی و استقلال نظام قضایی: نظام قضایی اسلام به‌گونه‌ای باید باشد که همه افراد و شهروندان آن از هر دین و مذهبی به آن اعتماد، و دعای خود را با اعتماد به دادگستری و عدالت محاکم آن مطرح کنند. واسطه‌گری در تعطیل قانون الهی یا تأثیرگذاری بر حکم دادگاه اسلامی منتفی است. اعتماد به نظام قضایی اسلام باید به اندازه‌ای باشد که حتی اگر دختر پیامبر هم دزدی کرد، در اجرای حد قطع دست سارق بر او لحظه‌ای تردید نشود. در این دیدگاه، اگر فردی یهودی یا مسیحی به محکمه اسلامی رجوع و دادخواهی کند، قاضی یا باید داوری آنان را نپذیرد و به محاکم خودشان ارجاع دهد؛ یا عادلانه میانشان داوری کند. استقلال قاضی در نظام اسلامی به این معنا نیست که او به غیر ما نزل الله حکم صادر کند. این استقلال دو بُعد درونی و بیرونی دارد. استقلال بیرونی قاضی، یعنی ایستادگی او در مقابل افراد، احزاب و گروه‌ها که از استقلال درونی او برمی‌خیزد و مقاومتش را در برابر هوای نفس و دشمن درون نشان می‌دهد. قاضی نباید تأثیرپذیر از سفارش دیگران باشد، اهل کسب در آمد از طریق رشوه و... باشد، چشم طمع به اموال اغنیا و به همین دلیل رفتار دوگانه‌ای نسبت به فقرا و نیازمندان داشته باشد (همان).

۴. هزینه داشتن جرم و جنایت: در اندیشه سیاسی ایشان صرف قانون خوب برای حکومت کافی نیست. مجری قانون نیز باید توانمند، عادل و آگاه باشد تا فکر اقدام به گناه و

جرم و جنایت نیز در جامعه به کمترین میزان برسد. از راهکارهای کاهش جرم و جنایت در جوامع، ارسال پیامبران به عنوان مدافعان راستین بشر در برابر هجوم همه‌جانبه کافران ستیزه‌گر با حیات انسانی و مدعیان دروغین حقوق بشر، تأکید بر آراستگی به ویژگی‌های اخلاقی برای همه مردم، وضع مجازات‌های بازدارنده برای جرایم و اجرای قاطعانه احکام و قوانین در برابر کسانی است که از قوانین تخطی کرده‌اند؛ برای نمونه، قانونی مترقی همچون قصاص، هم به سود قاتل، هم به سود مقتول، هم به سود اولیای مقتول و هم به سود جامعه است، زیرا قاتل اگر پیش از اقدام به جنایت بداند که در صورت ارتکاب او را قصاص خواهند کرد، دست به جنایت و قتل نمی‌زند. پس از آلوده شدن به قتل عمد نیز با بررسی حکم قصاص اگر به آن راضی شود و توبه کند، از عذاب قیامت رهایی می‌یابد. مقتول هم در مظلومیت نمی‌ماند و اولیای مقتول نیز با قصاص تشفی می‌جویند و با عبرت گرفتن مردم و هراس آنان از قصاص، جلو خونریزی و آدم‌کشی ظالمانه در جامعه نیز گرفته می‌شود (همان).

می‌توان دریافت که در اندیشه آیت‌الله جوادی بر نوعی پیشگیری از جرم و جنایت در میان مردم با ترویج فضایل اخلاقی و در مرحله بعدی بر وضع مجازات آن، هم برای پیشگیری و در صورتی که دو مرحله پیشین افاقه نکرد، بر اجرای قاطعانه قوانین تأکید می‌شود؛ در نتیجه، بهتر است که این شاخص به تلاش برای پیشگیری از وقوع جرم و سپس هزینه‌مند کردن جرم برای مرتکب آن از طریق اجرای احکام تغییر یابد.



مه‌ار فساد

برخی محققان غربی فساد را روغن چرخ‌های بوروکراسی سنگین اداری می‌دانند و بر این باورند که فساد باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شود (مبارک و آذر پیوند، ۱۳۸۸: ۲۰۲). اما این باور عمومی اندیشمندان غربی نیست و در حکمرانی خوب به‌شدت با آن مخالفت می‌شود. «سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی» تعریفی است که سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد ارائه داده است. در دیدگاه توحیدمدار آیت‌الله جوادی نیز به فساد به‌طور ریشه‌ای پرداخته شده و علل و عوامل رخداد و راهکارهای کلی مقابله با آن بررسی شده است. وجود فساد در هیچ عرصه‌ای از عالم هستی پذیرفته نیست و مردم از پیروی از رهبران فاسد که فساد را در جامعه گسترش می‌دهند به‌شدت نهی شده‌اند. حتی در اموال نیز نباید فساد رخ بدهد و یکی از علت‌های حرمت ربا فساد اموال است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که شاخص مه‌ار فساد در حکمرانی خوب آیت‌الله جوادی به «تلاش برای ریشه‌کنی فساد در حکومت و جامعه» تغییر می‌کند.

راهکارهای مقابله با فساد: در دیدگاه ایشان باید با ریشه‌های بروز فساد مبارزه کرد. یکی از علل بروز فساد در میان مقامات رسمی حکومتی به استناد فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر تبیین و تعریف کار مشخص نکردن برای هر فرد است، چراکه واگذاری امور کلی و مبهم برای شخص، سبب انحراف و فساد اخلاقی خواهد شد. یکی دیگر از علل بروز فساد اجرا نکردن احکام اسلام است که به بهانه‌های مختلف انجام و زمینه‌ساز گسترش فساد در سطح جامعه می‌شود (همان).

از دیگر راهکارهای مقابله با فساد در تمامی سطوح، باور به خداوند و احساس حضور او در غیب و نهان است که به‌نوعی نظارت درونی می‌انجامد. اگر روش بسیار قدرتمند اقرار به پروردگار و ترس از جهان غیب او نباشد، هیچ‌کس هنگام خلوت با شهوات و هوای نفس و اراده گناه مراقب احدی نیست تا او را از گناه باز دارد. راهکار دیگر مقابله با فساد در سطح جامعه امر به معروف و نهی از منکر و تلاش برای برکندن ریشه‌های فساد و گناه است. راهکار دیگر، برخورد قاطع با مفسدان است. موعظه، اندرز، دعوت به حکمت و جدال احسن برای

همه افراد و در همه موارد و موقعیت‌ها مناسب نیست؛ به‌ویژه برای گروهی که در زمین فساد می‌کنند و اهل قتل و غارت و خونریزی‌اند.

۱. سوء استفاده نکردن از قدرت به نفع شخصی و عدم فساد در میان مقامات رسمی: کارگزاران حکومت اسلامی و منسوبان به آنان مانند دیگر افراد عادی جامعه نیستند. جوادی با استناد به نص صریح آیات قرآن عذاب گناه زنان پیامبر را دوبرابر می‌داند؛ زیرا هم گناهکارند و هم به این دلیل که سخن و رفتار آنان مقبول شریعت است و نزد مردم پایگاه دینی دارند و روحیه‌ایمانی مردم را تضعیف می‌کنند و دین و ارزش‌ها را بی‌اعتبار می‌کنند. کار نیک آنان نیز پاداش مضاعف دارد، چون هم مطیع‌اند و هم مروج عملی دین و مایه آبروی آن.

دستور اسلام به ساده‌زیستی حاکمان، گواه روشن تأکید بر سوء استفاده نکردن از قدرت به سود منافع شخصی و یکی از علل مهار فساد در حکومت اسلامی است. تشویق بی‌رغبتی به لذایذ دنیوی، نه از باب ناتوانی در فراهم کردن تنعمات دنیوی، بلکه برای جلوگیری از غلبه حرص و طمع و بروز فساد در بین مسئولان است.

در این مکتب، اگر مسئولان و دانه درشته‌ها به فساد مبتلا شوند و از قدرت سوء استفاده کنند، به شدیدترین شکل با آن‌ها برخورد می‌شود. برخورد امیر مؤمنان^ع با «منذر بن جارود عبدی» نمونه‌ای از آن‌هاست. ایشان در نامه‌ای برای او نوشت: «به من خبر دادند که تو در پیروی از هوا و هوس فروگذار نمی‌کنی و برای آخرت چیزی باقی نگذاشته‌ای. دنیایت را با ویرانی آخرت آباد می‌کنی و پیوندت را با خویشاوندانت به قیمت قطع دینت برقرار می‌کنی. اگر آنچه از تو به من رسیده، درست باشد، شتر (بارکش) خانواده‌ات و بند کفشت، از تو بهتر است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹هـ: ۱۵۹).

۲. پرداخت رشوه و...: رشوه نیز از جمله مباحثی است که اندیشمندان غربی بدان توجه و در خصوص ارتباط آن با اقتصاد، نظریاتی ابراز کرده‌اند. به‌طور مثال، مورو معتقد است: «زمانی که افراد در ازای انجام کارهای اداری پیشنهاد پول می‌دهند، باعث ایجاد روندی می‌شوند که کارهای اداری تا زمان پرداخت رشوه به تعویق می‌افتد. اقدامات مفسدانه‌ای همچون رشوه‌دادن اگرچه ممکن است جلوی تأخیر کار اداری را برای افراد بگیرد؛ ولی در

مجموع سبب پدید آمدن بوروکراسی سنگین برای اقتصاد کشور و افزایش هزینه سرمایه‌گذاری و در نهایت تضعیف رشد اقتصادی خواهد شد (Mauro, 1995: 685).

در نظر آیت‌الله جوادی، رشوه مالی است که انسان به قاضی و حاکم می‌دهد تا حق را باطل و باطلی را حق جلوه دهد و بدین وسیله، مال دیگران را به باطل تصرف و تصاحب کند. احترام و تعظیم بیش از حد قاضی و تحویل گرفتن بیش از حد معمول ادب نیز نوعی رشوه است. عالمان فاسد یهودی که در برابر گرفتن رشوه از ثروتمندان به تحریف معنوی تورات می‌پرداختند، شدیداً مورد انتقاد ایشان هستند.

رشوه‌دهنده حرمت جامعه را از بین می‌برد و با امت اسلامی بیگانه می‌شود؛ چراکه وی در حقیقت قانع به سهم مالی خود در امت اسلامی نبوده، به اموال دیگران تجاوز کرده است. به این ترتیب، هم موجبات اخلال در نظام اقتصادی جامعه فراهم می‌شود و هم از طریق برهم‌زدن نظم اقتصادی جامعه، امنیت در جامعه از بین می‌رود. وی کارگزاران نظام اسلامی را در بحث رشوه به دقت نظر و تیزهوشی فرا می‌خواند و معتقد است که کارمندان حکومت اسلامی حق هیچ‌گونه دریافتی به عنوان هدیه از مردم ندارند، چراکه بی‌شک مصداق رشوه است.

۳. عدم فساد در خدمات عمومی: جوادی آملی به نهادهای بین‌المللی انتقاد می‌کند که هم در وضع قوانین و هم در اجرای آن بین کشورها تبعیض قائل می‌شوند. نمونه بارز این تبعیض تجویز «حق وتو» برای کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم یا همان قلدراهای جهانی است. وی معتقد است که در حقوق بشر اسلامی، قواعدی جهان‌شمول وجود دارند که به هیچ گروه یا منطقه‌ای اختصاص ندارند و باید بدون تبعیض، درباره همه انسان‌ها و مناطق جهان که مصداق آن قوانین می‌شوند، اجرایی گردند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶).

وی تصریح می‌کند که حکومت، نباید توجه خود را تنها به عده‌ای خاص معطوف کند و دیگران را از بذل توجه و عنایت خود محروم گرداند. محرومان و مستمندان جامعه همانند دیگران در حکومت عادلانه اسلام در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... موقعیتی یکسان دارند و تبعیض‌های مختلف در هر زمینه‌ای، به‌ویژه در امور اقتصادی، زمینه‌ساز تفاوت‌ها و انباشت ثروت می‌شود که متولیان امر در حکومت اسلامی باید از آن

اجتناب ورزند، از آن نظر که حکومت سرپرست امور همه مردم است. توزیع عادلانه اموال و ارائه خدمات عمومی از حکمت‌های وجودی تشکیل حکومت در نظام اسلامی است.

مسئولان باید «همه مساعی خود را برای توزیع متعادل ثروت‌ها و سرمایه‌ها در جامعه به صورت دادن وام و مانند آن به کار گیرند... از خود شروع کنند و نگذارند اسباب و زمینه‌های رشد اختلاف مالی به دست خودشان در جامعه فراهم شود. آنان باید در توزیع سرمایه‌ها و امکانات ملی، همه اقشار را یک‌سان ببینند و هنگامی که می‌خواهند اصلاحی در جامعه به وجود آورند، نباید نگاه تبعیض آمیز و یک‌سویه داشته باشند و به بهانه‌های مختلف، امکانات مهم‌تر و بهتر را به اقشار مرفه ارائه دهند و محرومان را به حال خود واگذارند» (جوادی، ۱۳۸۷ الف: ۲۵۴).

خدمات عمومی بدون فساد و تبعیض از سوی حکومت، نه تنها جزو وظایف حکومت اسلامی است، بلکه از امور مقدس قلمداد می‌شود. امور مقدس تنها در عبادت و نیایش کلیساها و مساجد نیست «گستره مفهوم تقدس، فراتر از آن چیزی است که بعضی در ذهن خود تصور می‌کنند و امور دنیوی را کاملاً از آن‌ها جدا می‌دانند؛ مثلاً توزیع ثروت، تهیه امکانات اقتصادی ملت، ارائه خدمات بهداشت و درمان، حفظ امنیت داخلی و خارجی، رعایت اصول زیست محیطی و جلوگیری از تخریب محیط زیست جامعه و... همگی می‌تواند دینی و قدسی باشد؛ به این صورت که عادلانه، عاقلانه و با تقدیم مصالح ملی بر منافع شخص انجام شود و نیز همگی برای تحصیل قرب و رضای الهی باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹۹).



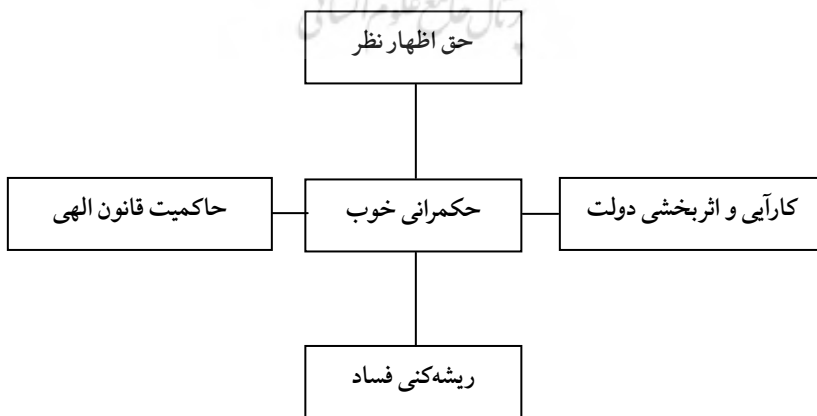
نتیجه گیری

در این مقال فرصت آن نبود که به همه مؤلفه‌ها و متغیرهای حکمرانی خوب از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته شود، اما در همین اندازه نیز روشن است که بسیاری از راهکارها و

الگوهایی که در توسعه غربی مد نظر قرار می‌گیرند و به عنوان نظریات بکر سیاسی عرضه می‌شوند در متون دینی ما به صورت کامل‌تر عرضه شده است. حکمرانی خوب که با تأکید بر تعامل حکومت و مردم در اداره جامعه و در تقابل با دورویکرد ناکام دولت بزرگ و دولت کوچک تکوین یافت، برای متفکران مسلمان موضوع تازه‌ای را مطرح نکرده است.

یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه و مذاقه کامل در اندیشه سیاسی اندیشمندان و بزرگان اسلامی، ارائه یک قرائت اسلامی از نظریه حکمرانی خوب، نه تنها امری ناممکن نیست، بلکه میسر و مطلوب است و از آنجاکه از سوی نظریه‌پردازان این پارادایم بر ارائه یک الگوی بومی هم تأکید می‌شود، امری است که در خود پارادایم بر آن صحنه گذاشته شده است. نویسندگان مقاله معتقدند که حتی با ژرف‌نگری و تیزبینی در متون اسلامی می‌توان نقایص این نظریات را نیز برطرف کرد و با تطبیق شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی مدل جامعی برای حکمرانی را به عالم سیاست عرضه داشت. همان‌گونه که شاخص‌های بررسی شده حکمرانی خوب در اندیشه جوادی نیز واجد چنین ویژگی‌هایی است. ترقی مفهوم مشارکت به مشارکت بر مبنای عقل و آموزه‌های دین، مفهوم آزادی به آزادی عقلانی در همه ابعاد و تأکید بر کسب و کار به عنوان زمینه‌سازی برای تعالی انسانی و نه صرفاً برای انباشت سرمایه نمونه‌هایی از سیر تکاملی مفاهیم در این نظریه است.

می‌توان آنچه را که در این پژوهش انجام شد، به صورت کردار زیر نشان داد:



هرچند این پژوهش گام بسیار کوچکی در راستای اجرایی کردن تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر بومی کردن علوم انسانی و راه‌اندازی جنبش نرم‌افزاری است، ولی در حد وسع و توان نگارندگان مقاله سعی شد که به این پارادایم از منظر یک اندیشمند شیعه که عمری در منابع اصیل اسلامی ژرفکاوای کرده است، پرداخته شده و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن استخراج شود. به این امید که در عمل به آموزه‌های اسلامی در همه ابعاد حکومت اسلامی مقبول واقع گردد، هرچند کمکی ناچیز باشد.

کتابنامه

- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ الف). نسبت دین و دنیا، محقق علیرضا روغنی، قم، اسرا.
- _____، (۱۳۸۷ ب). تفسیر تسنیم، محقق سعید بندعلی، قم، اسرا، ج ۱۱.
- _____، (۱۳۸۸ هـ). زن در آینه جمال و جلال، محقق محمود لطیفی، قم، اسرا.
- _____، (۱۳۸۸ و). شمیم ولایت، محقق سید محمود صادقی، قم، اسرا.
- _____، (۱۳۸۸ ز). اسلام و محیط زیست، محقق عباس رحیمیان، قم: نشر اسرا.
- _____، (۱۳۸۹ د). جامعه در قرآن، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسرا.
- _____، (۱۳۸۹ هـ). دین‌شناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسرا.
- _____، (۱۳۸۹ و). ولایت فقیه، محقق محمد محرابی، قم، اسرا.
- _____، (۱۳۹۲). مفاتیح الحیوه، محقق محمد حسین فلاح‌زاده، قم، اسرا.
- مبارک، اصغر و زیبا آذر پیوند (۱۳۸۸). «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از نظر اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۶، ص ۱۷۹-۲۰۸.

Jamshidi, Mohammad Hossain and Safari, Maryam (2016), 'principles of good governance in the charter of malik al-ashtar', *International Journal of Humanities and Cultural studies*, pp: 638-659.

Hashem, Mazen (2007), Islamic roots of good governance, *arabinsight*, vol.1, no.1, pp: 63. 72.

Mauro, paolo (1995), "corruption and growth", *Quarterly Journal of Economics*, vol 110, no.3, pp: 681. 712.

Kaufmann, Kraay and Mastruzzi (2010), "The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", www.govindicators.org